

کارگردان شیاد که با همدستی یک زن، چهار دختر دانش‌آموز را آزار داده بود برای دومین بار از سوی قضات دادگاه کیفری یک استان تهران به اعدام محکوم شد و همدستش هم 20 سال حبس گرفت.

اوایل سال 1401 دختر نوجوانی به نام سمیرا به همراه مادرش به پلیس آگاهی رفت و از یک تهیه کننده و کارگردان سینما به اتهام آزار و اذیت شکایت کرد.

این دختر 15 ساله در تشریح ماجرا گفت: به خاطر علاقه‌ام به بازیگری در آموزشگاهی ثبت‌نام کردم و بعد از چند هفته زن جوانی به نام فریبا که در آنجا مربی بود مدعی شد کارگردانی را می‌شناسد که قدرت ماورایی دارد و می‌تواند کاری کند روح تقویت شده و در کار بازیگری به موفقیت برسم. من هم تحت تأثیر حرف‌هایش قرار گرفتم و از او خواستم تا قرار ملاقاتی برایم بگیرد. چند روز بعد فریبا با آقای کارگردان که مردی 50 ساله بود قرار گذاشت و من به خانه‌اش در شمال تهران رفتم. دقایقی از حضورم نگذشته بود که آن شخص به من گفت چون در سن نوجوانی هستم و روح پاکی دارم به سرعت می‌توانم قدرت ماورایی پیدا کنم و به همه خواسته‌هایم برسم. بعد هم فریبا ما را تنها گذاشت اما کارگردان میانسال در اقدامی هولناک مرا مورد آزار قرارداد و بعد هم به من گفت اگر از این ماجرا به کسی حرفی بزنم تأثیر این قدرت از بین می‌رود. شب وقتی به خانه مان برگشتم آنقدر حالم بد بود که مادرم متوجه حال غیرعادی ام شد و من هم حقیقت را به او گفتم؛ حالا هم از این مرد شیاد شکایت دارم. در ادامه و در حالی که مأموران تحقیقات شان را آغاز کرده بودند شکایت‌های مشابهی به پلیس آگاهی اعلام شد و تعداد شاکی‌های پرونده این کارگردان به چهار نفر رسید. به این ترتیب متهم در خانه ویلایی‌اش بازداشت شد و پلیس با اطلاعاتی که از دختران نوجوان گرفته بود فریبا مربی ۴۰ ساله را نیز بازداشت کرد.

نخستین جلسه دادگاه

نخستین جلسه تحقیق از دو متهم در شعبه 6 دادگاه کیفری یک استان تهران و با حضور شاکی‌ها برگزار شد.

در این جلسه شاکی‌ها یک به یک به تشریح ماجرا پرداختند و خواستار اشد مجازات برای متهم و همدستش شدند.

یکی از شاکی‌ها که دختر 14 ساله‌ای به نام نسترن بود به قاضی گفت: آن روز وقتی فهمیدم کارگردان قصد سوءاستفاده از من را دارد به سرعت از اتاق خارج شدم و به فریبا پناه بردم اما او خیلی خونسرد گفت من هم برای دوری از ناپاکی‌ها و جلای روح خودم را به کارگردان سپردم. خیالت راحت باشد که پشیمان نمی‌شوی و من هم به ناچار تسلیم خواسته او شدم.

شاکی دیگر گفت: این زن و مرد دختران زیادی را قربانی کرده‌اند اما خیلی از آنها به خاطر ترس و وحشت از آبرو ریزی سکوت کرده‌اند.

سپس کارگردان با رد اتهام‌هایش عنوان کرد که آزار و اذیتی در کار نبوده است و فریبا هم مدعی شد اتهام اغفال و معاونت در آزار و اذیت را قبول ندارد و خودش هم قربانی این کارگردان شده است. با تکمیل تحقیقات دو متهم پشت درهای بسته و غیرعلنی محاکمه شدند و قضات دادگاه کارگردان را به

اعدام و همدستش را به حبس محکوم کردند.
با صدور این احکام دو متهم اعتراض کردند و پرونده به دیوان عالی کشور رفت و قضات دیوان حکم اعدام کارگردان را شکستند و خواستار تحقیقات بیشتر و محاکمه در شعبه همعرض شدند.

دومین جلسه دادگاه

پس از انجام تحقیقات تکمیلی پرونده برای رسیدگی به شعبه 5 دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و متهمان بار دیگر پشت درهای بسته و به صورت غیرعلنی محاکمه شدند.
در ابتدای این جلسه شاکی‌ها بار دیگر قاطعانه خواستار اشد مجازات برای متهمان شدند.
در ادامه متهم ردیف اول به جایگاه رفت اما اتهامش را نپذیرفت. فریبا نیز با تکرار اظهاراتش ادعا کرد که خودش در این پرونده قربانی بوده است.
در پایان جلسه قضات برای صدور رأی وارد شور شدند و با توجه به مدرک‌های موجود در پرونده کارگردان تبهکار را به اعدام و همدستش را به 20 سال حبس محکوم کردند.

کامران علمدهی